

الدّرس الثالث

المعرفة و النكرة



يُبدِه كتابٌ .

في الصّفِّ طالبٌ .

- ١- دو کلمه «طالبٌ» و «كتابٌ» چه نوع کلمه ای هستند؟ اسم، فعل یا حرف؟
 - ٢- آیا دو کلمه «طالبٌ» و «كتابٌ» بر دانش آموز و کتاب معینی دلالت می کنند؟
 - ٣- منظور از «طالبٌ» و «كتابٌ» کدام دانش آموز و کدام کتاب است؟
- به اسم هایی که بر شخص یا شیء نامشخصی دلالت دارند «نكرة» می گوئیم .

آیا همه اسم ها نكرة هستند؟

به تصاویر زیر توجه کنید .



- ١- چه تفاوتی بین تصاویر ردیف اول و ردیف دوم وجود دارد؟
- ٢- آیا تصاویر ردیف اول بر خانه، نقشه کشور و کتاب معینی دلالت دارند؟
- ٣- تصاویر کدام یک از دو ردیف برای شما شناخته شده و مشخص است؟

به اسم هایی که بر شخص یا شیء مشخصی دلالت دارند «معرفة» می گوئیم .

آیا اسم‌های نکره را می‌توان معرفه کرد؟



اسم‌های نکره با دو واسطه می‌توانند معرفه شوند.

۲

نکره + معرفه = معرفه، معرفه

كتابُ المعلم = المعلم + كتابٌ

قلمُّك = ك + قلمٌ

.....

۱

ال + نکره = معرفه

الرجلُ = رجلٌ + ال

القَوْمِ = قومٌ + ال

.....

به اسم معرفه در حالت اول «معرف به ال» و در حالت دوم «معرف به اضافه» می‌گوییم.

اما برخی از اسم‌ها به خودی خود معرفه و شناخته شده هستند، مانند:

عَلَمٌ، ضمیر، اشاره، موصول

در سال‌های گذشته با ضمائر، اشاره و موصولات آشنا شدیم.

به اسم‌هایی که بر «جنس» یک شخص یا یک شیء دلالت می‌کنند در عربی اسم جنس و در زبان فارسی اسم عام گفته می‌شوند، مانند: مرد، زن، کشور، کوه، رود.

حال اگر از میان یک جنس یک «فرد» یا یک «واحد» را جدا کنیم و نامی بر او بنهیم این نام را در عربی اسم علم و در فارسی اسم خاص می‌نامند هرچند افراد متعددی با این نام خوانده شوند، مانند: حسن، زینب، ایران، البرز، کارون. علم یکی از معارف است. هر اسمی که جزء معارف فوق نباشد نکره است خواه تنوین داشته باشد یا نداشته باشد.



لا فَرْقَ بَيْنَ غَنِيِّ وَفَقِيرٍ

سَلَّمَ رَجُلٌ فَقِيرٌ عَلَى أَحَدِ الصَّحَابَةِ فِي الطَّرِيقِ، فَرَدَّ الصَّحَابِيُّ السَّلَامَ بِرُودَةٍ. بعد مُدَّةٍ سَلَّمَ رَجُلٌ غَنِيٌّ عَلَى ذَلِكَ الصَّحَابِيِّ فَنَهَضَ الصَّحَابِيُّ مِنْ مَكَانِهِ وَرَدَّ السَّلَامَ عَلَيْهِ بِحَرَارَةٍ وَصَافَحَهُ بِاحْتِرَامٍ وَرَحَّبَ بِهِ ... لَمَّا وَصَلَ الْخَبْرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) تَأَسَّفَ وَقَالَ: «مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ».

الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ

أَخَذَتْ رَجُلٌ مُحْسِنٌ مَسْجِدًا. فَسَأَلَهُ بُهْلُولٌ^١ عَنْ سَبَبِ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ.
فَقَالَ الرَّجُلُ: أَحَدْتُهِ لِاِكْتِسَابِ الثَّوَابِ.
فَصَدَّ بُهْلُولٌ اخْتِبَارَ الرَّجُلِ وَمِقْدَارِ إِخْلَاصِهِ فِي الْعَمَلِ. فَكَتَبَ فِي لَيْلَةٍ عَلَى
جِدَارِ الْمَسْجِدِ:

«قَدْ أَحَدْتُ هَذَا الْمَكَانَ الْمُقَدَّسَ الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ بُهْلُولٌ».
فِي الصَّبَاحِ لَمَّا انْتَشَرَ الْخَبْرُ ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى بُهْلُولٍ لِتَهْنِئَتِهِ عَلَى عَمَلِهِ الْحَسَنِ.
سَمِعَ الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ هَذَا الْخَبَرَ فَعَضِبَ شَدِيدًا وَذَهَبَ إِلَى بُهْلُولٍ وَشَتَمَهُ وَ
قَالَ لَهُ: أَيُّهَا الْمَكَارُ لَقَدْ ضَيَّعْتَ أَمْوَالِي وَجَعَلْتَ نَفْسَكَ شَهِيرًا بَيْنَ النَّاسِ.
فَذَهَبَ إِلَى الْمَسْجِدِ بِسُرْعَةٍ وَحَدَفَ اسْمَ بُهْلُولٍ وَكَتَبَ اسْمَهُ بَدَلَهُ وَعِنْدَيْهِ شَعْرٌ
بِالرَّاحَةِ.

وَلَمَّا شَاهَدَ بُهْلُولٌ هَذَا الْعَمَلَ ابْتَسَمَ وَقَالَ:

﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- مَا فَعَلَ الصَّحَابِيُّ حِينَ سَلَّمَ عَلَيْهِ الرَّجُلُ الْفَقِيرُ؟
- ٢- مَا فَعَلَ الرَّجُلُ حِينَ هَمَّ النَّاسُ بُهْلُولًا عَلَى عَمَلِهِ الْحَسَنِ؟
- ٣- مَا قَالَ الرَّجُلُ لِبُهْلُولٍ حِينَ سَأَلَهُ عَنْ سَبَبِ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ؟

١- بُهْلُولٌ هُوَ مِنْ عُقْلَاءِ الْمَجَانِينِ كَانِ يَعْشَى فِي عَصْرِ هَارُونَ الرَّشِيدِ وَ قَدْ نُقِلَتْ عَنْهُ حِكَايَاتٌ كَثِيرَةٌ.

التمرين الأول

إملاً الفراغ بما يناسب من الموصولات :

١- العُمَّالُ هُمْ... يُوصِلُونَ الْبِلَادَ إِلَى الْاِكْتِفَاءِ الذَّاتِي. الَّذِي اللَّتَيْنِ

٢- الْمَرَأَةُ الْمُسْلِمَةُ هِيَ... تَعْرِفُ رِسَالَتَهَا فِي الْمُجْتَمَعِ.

٣- قَرَأْتُ الْمَجَلَّتَيْنِ ... فِي الْمَكْتَبَةِ.

٤- الْمُؤْمِنُ هُوَ ... آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ.

الَّتِي الَّذِي

التمرين الثاني

استخرج المعارف واكتبها في المكان المناسب :

المُعَرَّفُ بِالِإِضَافَةِ

١- ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾ (آل عمران/١٢٣)

العَلَمُ

٢- ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا

.....

المَوْصُولُ

فِي الْأَرْضِ﴾ (الحُجُرَات/١٦)

الضَّمِيرُ

٣- ﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ﴾ (الشُّعْرَاء/١٠٥)

.....

٤- ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ

الإِشَارَةُ

.....﴾ (الْأَنْبِيَاء/٩٢)

المُعَرَّفُ بـ «أَل»

.....

التمرين الثالث

عَيِّنِ الْمُرَادِفَ وَالْمُضَادَّ : (=, ≠)

اللَّيْلُ النَّهَارُ

أَحَدَثٌ صَنَعَ

الْبُرُودَةُ الْحَرَارَةُ

الْحَسَنُ السَّيِّئُ

الْاِكْتِسَابُ الْحُصُولُ

ضَيَّعَ وَجَدَ

- در ترجمه اسم‌های نکره معمولاً از «ی، یک» استفاده می‌کنیم :
 قرأتُ مقالةً في مجلةٍ : مقاله‌ای را در يك مجله خواندم.
- مشارالیه هرگاه دارای (أل) باشد، اسم اشاره آن به صورت مفرد ترجمه می‌شود، هرچند مثنی یا جمع باشد، که در این صورت با صفت اشاره مطابقت می‌کند :
 هذا الفلاحُ ... هذانِ الفلاحانِ ... هؤلاءِ الفلاحونَ ...
 این کشاورز ... این دو کشاورز ... این کشاورزان ...
- مشارالیه هرگاه بدون (أل) باشد، اسم اشاره آن عیناً ترجمه می‌شود و در این صورت با ضمیر اشاره فارسی مطابقت می‌کند :
 هذا فلاحٌ : این کشاورز است. هذانِ فلاحانِ : این‌ها دو کشاورزند.
 هؤلاءِ فلاحونَ : این‌ها کشاورزند.

للترجمة

اقْرَأِ الْعِبْرَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ :

- ۱- ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (المائدة/ ۱۵)
- الف) براستی از سوی خداوند روشنائی و کتاب روشنگر برای شما آمد.
- ب) براستی شما را از سوی خدا نوری و کتابی روشنگر آمده است.
- ۲- ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ (الإسراء/ ۹)
- الف) همانا این قرآن به آیینی که استوارتر است راهنمایی می‌کند.
- ب) همانا این، قرآنی است که به بهترین روش راهنمایی می‌کند.

إقرأ العبارة التالية ثُمَّ تَرجمها إلى الفارسية بعبارة مؤلفة :

* مَنِ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنِ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا.

تعداد اسم های معرفه در کدام آیه درست بیان شده است :

۳

۱- ﴿ وَ هَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴾ (الصافات/ ۱۱۸)

۳

۲- ﴿ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ﴾ (الزمر/ ۵)

